

## مقاله علمی

### قوم‌باستان‌شناسی ایل‌راه‌های مناطق بیلاقی پیرامون کوه ساوالان\*

پاشا پاشازاده<sup>۱</sup>، رضا رضالو<sup>۲</sup>، حسین علیزاده<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷)

#### چکیده

ایل شاهسون، بزرگ‌ترین ایل کوچ‌نشین امروزی در شمال‌غرب ایران است. این ایل هر ساله از بخش‌های شمالی استان اردبیل به سمت شمال، یعنی مراتع بیلاقی کوه ساوالان حرکت می‌کند و حدوداً نیمی از سال را در این نواحی، به زندگی کوچ‌نشینی می‌پردازد. پژوهش حاضر به واسطه یک بررسی میدانی قوم‌باستان‌شناسی گسترده در دشت مشگین‌شهر و دامنه‌های غربی و شمالی ساوالان انجام شده است. فرضیه اصلی این پژوهش، بر این موضوع استوار است که ایل‌راه‌های امروزی ایل شاهسون، قدمتی سه‌هزار ساله دارند و این مسیرهای کوچ، پیش از این اقوام، توسط اقوام کوچ‌گر عصر آهنی در حدود اواخر هزاره دوم پیش از میلاد مورد استفاده قرار گرفته‌اند. چنین فرضیه‌ای با یک بررسی میدانی باستان‌شناسی در طول ایل‌راه‌های امروزی ایل شاهسون به بوته آزمایش گذاشته شده است. در حوزه مورد مطالعه، تعداد پانزده ایل‌راه امروزی متعلق به شاهسون‌ها شناسایی شد. بررسی میدانی باستان‌شناسی نشان داد که تعداد بی‌شماری از محوطه‌های باستانی عصر آهن به صورت طولی و در یک خط‌الرأس، به موازات ایل‌راه‌های امروزی قرار گرفته‌اند. بیش از ۹۰ درصد این محوطه‌ها، گورستان‌های عصر آهن هستند که بدون ارتباط با محوطه‌های استقرار هستند و به اقوام کوچ‌گر عصر آهنی تعلق دارند و این محوطه هم در طول مسیر ایل‌راه‌ها و هم در محل بیلاقی‌های امروزی شاهسون‌ها واقع شده است. بر اساس نتایج پژوهش، شاهسون‌ها با اندکی تغییر مسیر، وارث همان مسیرهایی شده‌اند که اقوام عصر آهن از آن برای رسیدن به دامنه‌های ساوالان استفاده کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** قوم‌باستان‌شناسی، ایل شاهسون، اقوام کوچ‌گر عصر آهن، دامنه‌های ساوالان

---

\* پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری باستان‌شناسی با عنوان «مطالعه ایل‌راه‌های استان اردبیل در عصر آهن از دیدگاه قوم‌باستان‌شناسی (مطالعه موردی- ایل شاهسون)» است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه در حال انجام است.

۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران. pasha.p13@yahoo.com

۲ استاد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول) r\_rezaloo@uma.ac.ir

۳ استادیار باستان‌شناسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران. h\_alizadeh313@yahoo.com

نامه انسان‌شناسی، سال بیستم، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۸۹-۱۲۰

## مقدمه

بر اساس مطالعات پیشین در نیمه شرقی شمال‌غرب ایران، تقریباً از حدود اواسط تا اواخر هزاره دوم پ.م. یعنی کمی پیشتر از شروع عصر آهن، مهاجرت‌های قومی به سوی دشت‌های مشگین‌شهر و اردبیل شدت گرفت. وجود قلاع مرکزی بزرگ و اقماری کوچک و نیز گورستان‌های بی‌شماری که در این حوزه وجود دارد و اکثر آنها بدون ارتباط با محوطه‌های استقرار هستند، دلیل این موضوع به شمار می‌آید. اینکه دلایل این مهاجرت‌های ناگهانی و دسته‌جمعی و عوامل انسانی یا شرایط جغرافیایی دخیل در آن چه بوده‌اند چندان روشن نیست، ولی آنچه بر اساس مدارک باستان‌شناختی روشن است، وجود یک خط مهاجرتی شمالی-جنوبی از نواحی قفقاز به سوی بخش‌های جنوبی دشت مغان، دشت مشگین‌شهر و بخش‌های شمالی دشت اردبیل است. در دشت مشگین‌شهر نواحی اطراف دامنه‌های ساوالان بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که بسیاری از این اقوام کوچک‌رو در این مناطق اتراق نموده و بسیاری دیگر که منابع کافی برای آنها در دسترس نبوده به سمت نواحی سراب، مهربان و مناطق شرقی استان آذربایجان شرقی و نیز نواحی شمالی سرعین حرکت کرده‌اند.

در این دشت در طول چندین سده، ایل شاهسون به کوچ‌گری و تردد پرداخته و برخی مسیرهای ثابت را برای کوچ انتخاب کرده‌اند. برخی از آنها اسکان موقت را برگزیده و برخی دیگر، ناچار به مهاجرت به مکان‌های بهتری شده‌اند. در این مهاجرت‌های پیوسته، در دامنه‌های ساوالان به کرات اسکان انجام شده است. هدف پژوهش حاضر، مطالعه قوم‌باستان‌شناختی ایل‌راه‌های ایل شاهسون در دامنه‌های غربی و شمالی ساوالان بر اساس بررسی میدانی باستان‌شناسی است. شاهسون‌ها یکی از مهمترین ایلات کوچ‌گر ایران هستند که بسیاری از سنت‌های قدیمی خود را حفظ کرده‌اند. اقوامی که در دنیای ماشینی امروز، روش زندگی کوچ‌گری خود را حفظ کرده‌اند، در فصل سرما از دامنه‌های سرسبز ساوالان به پایین سرازیر می‌شوند و در قشلاق‌های محلی یا در روستاهای خود به سر می‌برند و دوباره در فصل گرما، حرکت خود به سمت بیلاقات را شروع می‌کنند. در پژوهش حاضر چرایی و چگونگی رابطه بین ایل‌راه‌های امروزی با نحوه پراکنش محوطه‌های عصر آهن، محوطه‌های واقع در محل بیلاقات امروزی و کمیت و کیفیت محوطه‌های باستانی در هر مسیر کوچ در محدوده‌ای

وسیع، مابین رودخانه قره‌سو تا دامنه‌های مرتفع غربی و شمالی کوه ساوالان تا مرز سیاسی شهرستان اهر مورد بررسی میدانی و تجزیه و تحلیل فضایی و آماری قرار گرفته است.

### روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. پس از گردآوری اطلاعات در مرحله میدانی از منابع پژوهشی برای تحلیل و تکمیل اطلاعات استفاده شده است. در نهایت پس از توصیف و تحلیل اطلاعات در صورت امکان الگوها و مدل‌های کاربردی استخراج شده است. روند انجام تحقیق طی چند مرحله انجام شده است. ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای اطلاعاتی از ایلات کوچ‌گر استان اردبیل و نیز ویژگی‌های تاریخ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و سایر ویژگی‌های این اقوام گردآوری شده است. در این زمینه اطلاعات درباره انواع ایلات، تعداد، زمان، نحوه کوچ‌گری و چگونگی استفاده از راه‌های مواصلاتی بسیار مورد توجه بوده است. بسیاری از اطلاعاتی که در این زمینه به دست آمده است، از طریق بازدیدهای میدانی از برخی از ایلات انجام شده است. در این بخش از پژوهش لازم بود که در فصول مختلف کوچ موسوم به بیلاق و قشلاق در کنار عشایر باشیم تا چگونگی کوچ‌گری و مسیرهای آنها مشخص و مورد مطالعه قرار گیرد.

بخش دیگری از اطلاعات در مورد محوطه‌های باستانی اعم از محوطه‌های استقرار (با تعداد بسیار اندک)، گورستان‌ها (با تعداد قابل توجه)، قلعه‌ها (به تعداد انگشت شمار) و رابطه آنها با ایل‌راه‌های امروزی شاهسون‌ها است که به صورت دقیق مطالعه شده است. اطلاعات حاصل از بررسی‌ها و کاوش‌های انجام‌شده در گذشته بسیار راهگشا بودند. چون اکثر مطالعات پیشین در این بخش، در مورد عصر آهن متمرکز شده است و نتایج حاصل از آنها کاملاً در دسترس بوده و منتشر شده است. مرحله بعد پژوهش به مطالعات جغرافیایی مربوط بوده است. در این بخش محوطه‌های باستانی که موقعیت آنها با GPS مشخص شده بودند، وارد نرم‌افزار GIS شد. در این زمینه موقعیت ایل‌راه‌های باستانی و کنونی بر روی نقشه مشخص شد و مقایسه و تحلیل بر روی مسیر قرار گرفتن محوطه‌های باستانی شناسایی‌شده و ایل‌راه‌های امروزی انجام شد. این مقایسه و تحلیل به خوبی انجام شده و تا حدودی مسیر ایل‌راه‌ها و راه‌های مواصلاتی باستانی و امروزی را پدیدار کرده است.

بخش دیگری از پژوهش میدانی به برداشت و تهیه طرح ساختارهای معماری از جمله قبور و نمونه‌برداری از آثار سطحی از جمله سفال‌ها مربوط بود. در بررسی و بازدید میدانی طرح ساختارهای برج‌مانده با روش دستی برداشت شدند و طرح‌های تهیه‌شده با استفاده از نرم‌افزارهای اتوکد و کورل تجزیه و تحلیل شدند. عکس‌برداری از ساختارهای برج‌مانده در محوطه‌های باستانی، بخشی دیگر از مطالعات بود که طی بررسی میدانی انجام شد.

### پیشینه پژوهش

در حوزه مورد مطالعه، پیش از این مطالعات زیادی انجام شده که رویکرد همه آنها صرفاً باستان‌شناختی بوده است. تلفیق مطالعات قوم‌شناسی و باستان‌شناسی به ندرت مورد توجه قرار گرفته است.

اولین مطالعات در مشگین‌شهر را یک هیئت خارجی انجام داد. چارلز برنی در سال ۱۹۷۸ بخش شرقی دشت مشگین‌شهر را بررسی کرد و گزارش مفصل و مستندی از آن ارائه داد (Burney, 1979: 155-156). این گروه محوطه‌های گورستانی بسیاری را در این حوزه ثبت کرد و گورهای سنگی بی‌شماری را که در این حوزه قرار داشتند، متعلق به مردمان کوچ‌گر و غیریکجانشین دانستند (Ingraham and Summers, 1979: 69). برنی درباره نتایج کار خود بیان کرده است که این بخش از ایران بیشترین دوران زندگی خود را با فرهنگ کوچ‌نشینی گذرانده است و استقرارهای بسیار کمی را می‌توان معاصر با قبور آنها دید. در سال ۱۳۸۳، در راستای انجام یک پایان‌نامه (ابتهاج، ۱۳۸۳: ۲۹-۱۹)، کار کاوش در محوطه شهریری آغاز شد (هژبری‌نوبری، ۱۳۸۳: ۱۳). سه فصل کاوش باستان‌شناسی در این محوطه انجام شد که نتایج جالب توجهی از فرهنگ عصر آهن در این حوزه را در پی داشت که مهم‌ترین آن‌ها محوطه معبد شهریری با استل‌های افراشته آن است که دارای نقوش انسانی هستند. در پژوهشی دیگر (پورفرج، ۱۳۸۶ الف: ۱۲۵-۵۶) با مطالعه موردی محوطه شهریری و قلاع اقماری به بازنگری عصر آهن شمال‌غرب ایران پرداخته شده است. این پژوهش با هدف ایجاد گاهنگاری فراگیر و علمی برای عصر آهن شمال‌غرب و معرفی شاخصه‌های فرهنگی هر دوره بر اساس داده‌های باستان‌شناسی و ارائه پیشنهادی جدید برای ورود اقوام تازه‌وارد به فلات ایران انجام شد. در این پژوهش با توجه به شباهت‌های موجود بین آثار شهریری با آثار شمال ایران و حوضه دریاچه

ارومیه، این شباهت‌ها از طریق اشاعه فرهنگی، غیرقابل تفسیر و توجیه فرض شده و مطرح شده است که این شباهت‌ها نوعی مهاجرت را در ذهن تداعی می‌کند. در پژوهش دیگری روابط فرهنگی شمال‌غرب ایران و قفقاز بر اساس سنگ‌افراشت‌های انسان ریخت شهریری مورد توجه قرار گرفته است (خانعلی، ۱۳۹۷: ۹۸-۴۲). در نتایج این پژوهش بیان شده است که فرهنگ سنگ‌افراشت‌های انسان ریخت که وجوه افتراق محوطه شهریری با سایر محوطه‌های همزمان در منطقه است، از طریق ارتباط با قفقاز در این منطقه گسترش یافته است (هژبری‌نوبری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۸۱). در کاوش نجات‌بخشی که در گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر انجام شد، گورهای کلان‌سنگی از عصر آهن ۲ و قبور کورگانی (گورتپه) از عصر آهن ۳ کشف شدند که متعلق به اقوام سکایی بودند (رضالو، ۱۳۹۱: ۱۵۸-۳۲). در گورهای کلان‌سنگی که بزرگترین گورهای کاوش‌شده این حوزه نیز به شمار می‌آیند، شاهد تدفین‌های طبقاتی بودیم که در یک گور در چند طبقه در کنار تدفین‌های انسانی، تدفین حیواناتی مانند سگ و گاو نیز انجام شده بود. در کورگان‌های عصر آهن ۳ که در این محوطه به دست آمد، تدفین بزرگ‌زاده یا سردار سکایی همراه با قربانیان انسانی و تدفین بیش از ۴۰ اسب، گاو و سگ به دست آمد که به این بزرگ‌زاده اهدا شده بود (رضالو و ایرملو، ۱۳۹۳: ۱۴۴-۱۱۳). کاوش نجات‌بخش دیگری در این حوزه انجام شد که اطلاعات به‌دست‌آمده از آن به دلیل ساختار قبور عصر آهن و شیوه‌های تدفین آنها جالب توجه است (حاجی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۸-۶۲). در کاوش گورستان قیزیل‌قیه مشگین‌شهر گورهایی با ساختار سنگی مدور بزرگ به قطر بیش از ۱۵ متر به دست آمد که به صورت تودرتو فضای تدفین را محصور کرده بودند. در این تدفین‌ها علاوه بر اسکلت‌های انسانی، اسکلت حیواناتی مانند گاو‌میش نیز به دست آمد که نشان‌دهنده شیوه معیشت مبتنی بر کشاورزی و دامداری این اقوام در این حوزه بوده است. آخرین پژوهش مهم و مؤثر در این حوزه، بررسی حوضه رود مشگین‌چای بوده است (آیرملو، ۱۳۹۷: ۲۵۸-۶۹). در این پژوهش بستر رودخانه مشگین‌چای و دو جانب شرقی و غربی آن، از حوضه آبریز تا محل پیوستن آن به رودخانه اهرچای بررسی شده و محوطه‌هایی از دوره مس‌سنگی تا عصر آهن ۳ شناسایی و ثبت شده است. هدف این بررسی، مطالعه الگوهای استقرار محوطه‌های پیش از تاریخی این

ناحیه بود که نشان داد پیش از عصر آهن، فقط چند استقرار بسیار محدود و ضعیف در این ناحیه وجود داشته است (همان، ۲۵۵-۲۴۸).

نوآوری پژوهش حاضر این است که تاکنون در مورد ایل‌راه‌های باستانی این حوزه با رویکرد قوم‌باستان‌شناسی یا پراکنش آنها مطالعه‌ای انجام شده است. همه پژوهش‌هایی که بیان شد، بر روی تک‌محوطه‌ها متمرکز بوده‌اند و نتایج به‌دست‌آمده از آنها نیز مختص همان تک‌محوطه است. در حالی که پژوهش حاضر در یک حوزه وسیع جغرافیایی انجام شده است؛ حوزه‌ای که در آن با دو ناحیه دشتی و کوهستانی مواجه هستیم و مطمئناً چنین ویژگی‌های جغرافیایی در نحوه پراکنش و حتی نوع محوطه‌ها نیز تأثیرگذار بوده است و می‌توان اطلاعات بسیار مفیدی از آنها دریافت کرد.

به دلیل نبود مطالعه مشابه در این حوزه، باید درباره چند نمونه از چنین پژوهش‌هایی در مناطق هم‌جوار توضیح داد. یکی از پژوهش‌هایی که هم به لحاظ ویژگی‌های جغرافیایی حوزه مورد مطالعه و هم شیوه مطالعه، به موضوع تحقیق حاضر نزدیک است، با عنوان «درآمدی بر قوم‌باستان‌شناسی کوچ‌روان قره‌داغ مرکزی آذربایجان» انجام شده است (عسکرپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۸-۱۰۱). هدفی که در پژوهش فوق دنبال شده، بررسی مقدماتی منطقه قره‌داغ آذربایجان از سه منظر بوم‌شناختی، باستان‌شناسی و قوم‌شناختی است. موضوعی که در پژوهش فوق بیان شده، بررسی دلایل تداوم زندگی کوچ‌گری در این منطقه تاکنون و نشان دادن پیوستگی‌های تاریخی و بوم‌شناختی آن است. در این مقاله نشان داده شده است که با توجه به شاخصه‌های محیطی و بوم‌شناختی حاکم بر منطقه قره‌داغ مرکزی، سنت‌های فرهنگی موجود در آن برای مدت بیش از سه هزار سال و با محوریت کوچ‌گری عمودی تداوم یافته است.

در خارج از شمال غرب ایران، مطالعاتی درباره قوم‌باستان‌شناسی و موضوع کوچ‌نشینی انجام شده است. هر چند بسیاری از این پژوهش‌ها بیش از آنکه خصلتی باستان‌شناختی و قوم‌باستان‌شناختی داشته باشند، دارای جنبه انسان‌شناختی و مردم‌نگاشتی هستند. علاوه بر این، بیشتر این پژوهش‌ها در مورد آغاز کوچ‌نشینی در دوره نوسنگی کار شده‌اند. از این گونه مطالعات در ایران می‌توان پژوهشی با عنوان «قوم‌باستان‌شناسی کوچ‌نشینی و ایل‌راه‌های غرب زاگرس مرکزی» (طلایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۴-۱۶۳) را نام برد که با تکیه بر پژوهش‌های باستان‌شناسی

و انسان‌شناسی از دوران نوسنگی تا اسلامی و عواملی که در شدت و ضعف آن تأثیر داشته، به بررسی پیشینه اهلی کردن حیوانات، چگونگی شکل‌گیری جوامع کوچ‌نشینی و سابقه آن در زاگرس مرکزی پرداخته‌اند. از دیگر کسانی که پدیده کوچ‌نشینی را از دیدگاه قوم‌باستان‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند، می‌توان کارول کرامر را نام برد (Kramer, 1982: 19-179). پژوهش وی که با عنوان «قوم‌باستان‌شناسی روستا: ایران روستا از منظر باستان‌شناختی» انجام شده، بر کشاورزی و رابطه آن با ثروت و جمعیت تمرکز داشته است. به اعتقاد کرامر (همان، ۲۶۳) مطالعه در مورد کوچ‌نشینی تصویر پیچیده‌ای را ارائه می‌دهد و هیچ راه ساده‌ای وجود ندارد تا استنتاج‌هایی را در مورد گذشته ایجاد کنیم. امان‌اللهی بهاروند (۱۹۷۵) یکی از محققانی است که اولین پژوهش‌ها راجع به کوچ‌نشینی را به زبان فارسی چاپ کرده است. وی در کتاب خود به بخش‌های مختلف زندگی کوچ‌نشینی در بخش‌های مختلف ایران پرداخته است.

### ایل شاهسون استان اردبیل

شاهسون به لهجه ترکی، اِسَوْتی و شَسَوْن یا شَهَسَوْن، نام تعدادی گروه ایلی از مردم آذربایجان است که در بخش‌هایی از شمال‌غرب ایران به ویژه در دشت مغان، ارومیه، اردبیل، نواحی خرقان و خمسه، واقع در میان زنجان و تهران به سر می‌برند (Tapper, 1997: 28-9). عنوان شاهسون به فارسی به معنی شاه‌دوست است. این عنوان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ال‌سون یا دوستدار مردم تغییر نام یافت (زنده‌دل، ۱۳۷۹: ۱۲۹). اسکندریبگ ترکمان مورخ معروف عصر صفوی، استعمال کلمه شاهی‌سون را ضمن وقایع فتح عراق در دوره شاه اسماعیل اول و نیز بیان وقایع زمان شاه طهماسب به کار برده است. اما اصطلاح سیاسی این شعار زمانی اهمیت پیدا کرد که به طرفداران شاه اسماعیل دوم اطلاق شد (میرجعفری، ۱۳۸۴: ۳۲۸). با وجود اسناد نسبتاً فراوانی که راجع به تاریخ شاهسون‌ها وجود دارد، منشأ پیدایش شاهسون‌ها و ایل شاهسون هنوز در پرده ابهام قرار دارد. در یکی از روایات آمده است که شاه عباس اول برای مقابله با طغیان قبایل قزلباش، قبیله‌ای تأسیس کرد و آن را شاهسون یعنی دوستدار شاه نامید (Tapper, 1997: 32). به اعتقاد شاهسون‌ها، ایل شاهسون از سی و دو طایفه با موقعیتی برابر تشکیل شده است. شاهسون‌ها مدعی هستند که آنان هیچ وقت تحت امر یک رئیس ارشد

نبوده‌اند. مطابق نظریه‌های رایج، شاهسون‌ها در زمان صفویه در مغان به سر می‌برده‌اند، اما در مورد بومی یا مهاجر بودن آنها به منطقه و در صورت پذیرش مهاجرت، در مورد زمان مهاجرت اختلاف دیدگاه وجود دارد (عزیزی، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۳).

### زیست‌بوم ایلات استان

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، در استان اردبیل ۷ زیست‌بوم، ۵۱ سامانه اصلی و ۳۷۷ سامانه فرعی شناسایی شده است.

#### ۱- زیست‌بوم آج‌اشمه

قلمرو قشلاقی این زیست‌بوم در شهرستان بيله‌سوار و در بخش قشلاق‌دشت واقع شده و عمده قلمرو بیلاقی آن در دو استان اردبیل (شامل شهرستان‌های نیر، مشگین‌شهر و اردبیل) و آذربایجان شرقی (شامل شهرستان سراب) است. زیست‌بوم آج‌اشمه دارای ۱۲۸۹ خانوار عشایری و ۱۳۵ خانوار روستایی بوده که این زیست‌بوم از ۸ سامانه اصلی و ۱۶۲ سامانه فرعی تشکیل شده است. کل مساحت زیست‌بوم ۵۷۰۶۱ هکتار بوده است.

#### ۲- زیست‌بوم فتحعلی-جلیلو

قلمرو قشلاقی این زیست‌بوم در شهرستان‌های پارس‌آباد (شامل بخش‌های اصلاندوز و مرکزی) و مغان در بخش انگوت واقع شده و عمده قلمرو بیلاقی آن در دو استان اردبیل (شامل شهرستان مشگین‌شهر) و استان آذربایجان شرقی (شامل شهرستان‌های اهر، هریس و سراب) است. این زیست‌بوم دارای ۲۶۵۷ خانوار عشایری و ۱۰۹۸ خانوار غیرعشایری (روستایی) بوده است و ۱۵ سامانه اصلی و ۲۰۰ سامانه فرعی دارد. کل مساحت زیست‌بوم ۶۷۲۱۷ هکتار است. این زیست‌بوم بزرگترین و پرجمعیت‌ترین زیست‌بوم عشایری استان است.

#### ۳- زیست‌بوم انجیرلو

قلمرو قشلاقی این زیست‌بوم در شهرستان‌های بيله‌سوار و مغان واقع شده است و عمده قلمرو بیلاقی آن در شهرستان‌های اردبیل، مشگین‌شهر و کوثر متعلق به استان اردبیل و شهرستان سراب در استان آذربایجان شرقی است. زیست‌بوم انجیرلو دارای ۱۳۰۴ خانوار بوده که از این تعداد ۶۴۱ خانوار عشایری و ۶۶۳ خانوار غیرعشایری در روستاهای زیست‌بوم ساکن هستند. این



زیست‌بوم از چهار سامانه اصلی و ۸۷ سامانه فرعی تشکیل شده است. کل مساحت زیست‌بوم ۳۰۷۴۶ هکتار است.

#### ۴- زیست‌بوم آقا محمد بیگلو

این زیست‌بوم از چهار سامانه اصلی و ۴۰ سامانه فرعی تشکیل شده است. محدوده قشلاقی زیست‌بوم در شهرستان‌های مغان (بخش انگوت) و بیله‌سوار در بخش قشلاق‌دشت واقع شده است. این زیست‌بوم دارای ۴۶۵ خانوار عشایری و ۴۳۳ خانوار روستایی است. کل مساحت زیست‌بوم ۲۷۰۱۹ هکتار است.

#### ۵- زیست‌بوم جعفرآباد

قلمرو قشلاقی این زیست‌بوم در شهرستان بیله‌سوار و در بخش قشلاق‌دشت واقع شده است و عمده قلمرو ییلاقی آن در استان اردبیل در شهرستان‌های مشگین‌شهر، اردبیل و در استان آذربایجان شرقی در شهرستان سراب است. این زیست‌بوم از ۵ سامانه اصلی و ۲۴ سامانه فرعی تشکیل شده است. در زیست‌بوم جعفرآباد ۴۱۶ خانوار عشایری و ۲۰۶ خانوار روستایی استقرار یافته‌اند. مساحت کل این زیست‌بوم ۱۶۵۷۰ هکتار است.

#### ۶- زیست‌بوم آرشق

قلمرو قشلاقی این زیست‌بوم در شهرستان مشگین‌شهر و در منطقه آرشق غربی واقع شده است و عمده قلمرو ییلاقی آن در شهرستان‌های اردبیل و مشگین‌شهر استان اردبیل و شهرستان‌های اهر و سراب استان آذربایجان شرقی است. این زیست‌بوم از ۸ سامانه اصلی و ۳۴ سامانه فرعی تشکیل شده است. در این زیست‌بوم مجموعاً ۶۳۲ خانوار زندگی می‌کنند که از این تعداد ۵۳۷ خانوار عشایر و ۹۵ خانوار روستایی هستند. کل مساحت زیست‌بوم ۳۴۱۶۴ هکتار است.

#### ۷- زیست‌بوم آکراد

قلمرو قشلاقی و ییلاقی این زیست‌بوم در شهرستان خلخال و در بخش‌های مرکزی، خورش‌رستم و شاه‌رود واقع شده است. این زیست‌بوم از ۶ سامانه اصلی و ۱۸ سامانه فرعی تشکیل شده است. در این زیست‌بوم ۷۷۳ خانوار عشایری و ۱۷۵۰ خانوار روستایی استقرار یافته‌اند. کل مساحت زیست‌بوم آکراد ۴۰۲۰۵ هکتار است.

عشایر استان از دو ایل به نام‌های شاهسون و قره‌داغ ارسباران و سه طایفه مستقل فولادلو، شاطرانلو و حاج‌آلو تشکیل شده است. از میان ایلات و طوایف مستقل استان، ایل شاهسون بزرگترین ایل استان و سومین ایل بزرگ کشور است. این ایل از ۴۳ طایفه، ۲۴۱ تیره و ۱۵۲۷ اُوبا تشکیل شده است که اسامی طوایف و تیره‌های ایل شاهسون در جدول (۱) بیان شده است.

جدول (۱): اسامی طوایف و تیره‌های ایل شاهسون

اسامی طوایف	اسامی تیره‌ها
۱- طالش میکائیلو	۱- قزیل کچی ۲- قره باغ لار ۳- نوردلو ۴- جانبارلو ۵- بنیه لر ۶- ملالو
۲- عیسی لو	۱- حبیب اله بیگلو ۲- اروجلو ۳- آقا حسین بیگلو ۴- عیسی لو ۵- هامپا ۶- عباداله بیگلو
۳- سیدلر	۱- سیدی ۲- ملی ۳- کورلار
۴- کور عباسلو	۱- ترید ۲- کورلار ۳- عزیز لو
۵- مرادلو	۱- مرادلو
۶- گیکلو	۱- نظرلو ۲- طومارلو ۳- عباسعلی ۴- خلیل لو ۵- گل میرزالو ۶- رمضانلو ۷- قیطانلو ۸- صفرلو ۹- مصطفی لو ۱۰- قره پتخلی ۱۱- خان حسین لو ۱۲- آبشلو ۱۳- اروجلو ۱۴- حاجی حسنلو ۱۵- جیلو ۱۶- حاجی ایمانلو ۱۷- گون اولی ۱۸- مدینه لو ۱۹- بوزاغلو ۲۰- موسی لو ۲۱- حاجی جعفرلو ۲۲- میرزاعلی ۲۳- آقا حسنلو ۲۴- حاجی الهویردی ۲۵- محمد علی
۷- اجیرلو	۱- سرودلو ۲- شین لو ۳- هدیلو ۴- حلاجار ۵- بدلی ۶- کوسه لر ۷- اروسلو ۸- اجیرلو ۹- اسماعیلو ۱۰- امیرخانلو ۱۱- اروجلو ۱۲- طورون ۱۳- قره سقال ۱۴- یعقوبگلو
۸- حسینکلو	۱- حاجی عابلی ۲- قاسم خانلو ۳- خزیلی ۴- کچلر ۵- میر علملو ۶- الله لو ۷- عباسقلو ۸- امیرلو ۹- اروجلو
۹- بالابیگلو	۱- شهبازی ۲- اعلائی ۳- آقائی ۴- نصیری ۵- بایرامی ۶- خلفلو
۱۰- بیگ باغلو	۱- حاجی علی حسنلو ۲- حاتم خانلو ۳- آغ ساغلو
۱۱- کلاش	۱- بدیر خانلو ۲- پاشالو
۱۲- ساری نصیرلو	۱- ساری نصیرلو
۱۳- خامسلو	۱- خامسلو ۲- آلس

اسامی طوایف	اسامی تیره‌ها
۱۴- رضا بیگلو	۱- رضا بیگلو
۱۵- بیگدیلو	۱- گوشلو ۲- معصوملو ۳- بالاخانلو ۴- ساری گبلو ۵- علیمرادلو
۱۶- جلودارلو	۱- حسن علیلو ۲- ولی مملو ۳- عزیزلو ۴- نریمانلو ۵- یاخونلو ۶- جعفرخانی ۷- اسماعیل خانلو ۸- عیوضعلی ۹- قهرمان ۱۰- حاج سلیمانلو
۱۷- تکه	۱- صغیرلو ۲- یارال آوند ۳- کلوان ۴- شاه قزلی ۵- ایوادلو ۶- حاج زری ۷- تخمارلو ۸- قره لر ۹- کول آباد
۱۸- گبلو	۱- احمد لو ۲- ایمانلو ۳- غنیم لو ۴- قره گبلو ۵- مصطفی لو
۱۹- قره جبدرق	۱- گل محمد ۲- عطائی ۳- نورد لو
۲۰- آرالو	۱- آرالو
۲۱- قوتلار	۱- نجف لو ۲- قره جالو ۳- عجم علی ۴- تقی بیگلو ۵- حاج زینالو ۶- عیسی لو ۷- جن لر ۸- حاجی محمد لو
۲۲- مغانلو	۱- جلیل لو ۲- بجروان ۳- گویجه لر ۴- گونشلی ۵- رضا بیگلو ۶- شیرعلی ۷- حاج لطفاله ۸- الجلر ۹- حاج علی لو ۱۰- علیقلو ۱۱- موزیک لر ۱۲- رضاقلی لو ۱۳- بگ لر (قنبرلو) ۱۴- طوماغانلو ۱۵- خرده پای ۱۶- صوفی لر ۱۷- قره‌ولی ۱۸- دلی لر ۱۹- قره لر ۲۰- ملک لر
۲۳- قوجاییگلو	۱- نور اله بیگلو ۲- نصراله بیگلو ۳- ایلاز ۴- خسرولو ۵- جوروق بیگلو ۶- کردلر ۷- سردارلو ۸- حاج خانلو ۹- هامپا ۱۰- تپلی ۱۱- شاه مار بیگلو
۲۴- جهان خانملو	۱- شاملو ۲- قره ولیلو ۳- شاه مرادلو ۴- احمد لو و شکرلو ۵- آقا حسن لو
۲۵- حسین حاجیلو	۱- قره داغلو ۲- تقی لو ۳- جارایلو ۴- حاجی حسنلو
۲۶- ساریانلار	۱- آقابابالو ۲- علی اکبرلو ۳- آقا مرادلو ۴- جوروقلو
۲۷- هومونلو	۱- اله ورنی ۲- قباد ۳- تکه چی
۲۸- عربلو	۱- سعید یارلو ۲- منصور خانلو
۲۹- شاه علی بیگلو	۱- شاه علی بیگلو
۳۰- مستعلی بیگلو	۱- مشی لو ۲- نصیرلو ۳- همت علیلو ۴- زیادخانلو ۵- اسد لو ۶- صادقلو
۳۱- قره لر خیاوی	۱- موسی لو ۲- سویلش ۳- حاجی قربانلو ۴- استاد محمدلو ۵- عجم
۳۲- لاهرود	۱- حاج اسماعیل پور ۲- سلیمانلو ۳- بسدی ۴- میرزامراد ۵- ایمان علیلو
۳۳- آیواتلو	۱- آقارضالو ۲- حسین لو ۳- قربان لو
۳۴- ساری خانلو	۱- ساری خانلو

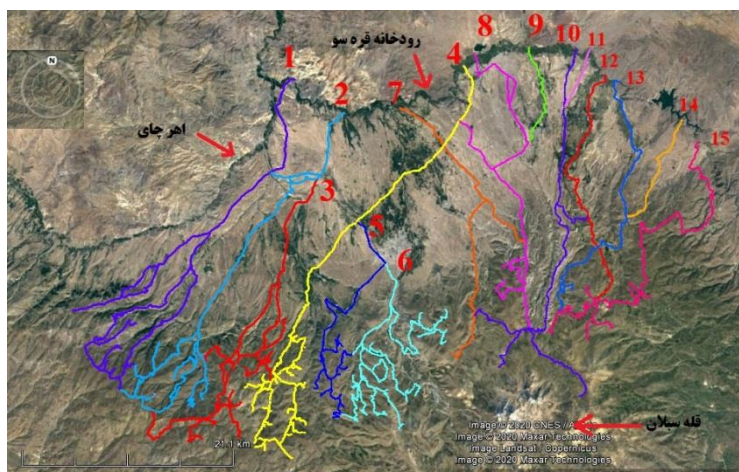
اسامی طوایف	اسامی تیره‌ها
۳۵- جعفرلو	۱- جعفرلو
۳۶- حاجی خواجه لو	۱- پولادخانلو ۲- نریمانلو ۳- قیطانلو ۴- قره گوزلو ۵- حاجی محمد خانلو ۶- قره حسنلو ۷- قهرمانلو ۸- حاجی اسدلو ۹- حاجیلو ۱۰- ماشیلو ۱۱- ابیش لو ۱۲- حاجی محمدملو ۱۳- رستم خانلو ۱۴- عیوضلو ۱۵- آقا قارداشلو
۳۷- یکه لو	۱- رستملو
۳۸- ساری خان بیگلو	۱- کورلار ۲- امین زاده ۳- مصطفی لو ۴- عابدینی ۵- قره قاسملو ۶- اله قلی بیگلو ۷- عبدالله بیگلو ۸- اله ویردی بیگلو ۹- عباس بیگلو ۱۰- شاهرضالو ۱۱- آقاجان بیگلو
۳۹- علی بابالو	۱- بیگ آلو ۲- هموارکندی ۳- قوتوربلاغی ۴- نظرعلی بلاغی ۵- قره موسی لو
۴۰- خلیفه لو	۱- حاجی شهبازخان ۲- طاهرلو ۳- حاجی زمان خان ۴- ایمان خانلو
۴۱- دمیرچی لو	۱- قدیرلو ۲- کردلر ۳- گوزچلی ۴- مادلو
۴۲- جعفرقلی خانلو	۱- طهماسلو ۲- عباسلو ۳- علی قلیلو ۴- بشیرلو
۴۳- اودولو	۱- اختری ۲- حاجیلو ۳- آغا رحیم لو

### حوزه مورد مطالعه

بررسی میدانی پژوهش حاضر، به علت گستردگی حوزه مورد مطالعه، در دو فصل انجام شده است. در فصل اول، حوزه غربی دشت مشگین‌شهر، دامنه‌های شمال غربی و غربی کوه ساوالان بررسی شده است. در حوزه غربی و شمال غربی، ناحیه‌ای که بررسی میدانی در آن صورت گرفته است، محدوده‌ای به وسعت ۹۸۰۰۰ هکتار را شامل می‌شود. این محدوده از جانب شمال به رودخانه قره‌سو، از جانب شمال غربی به محل تلاقی قره‌سو و رودخانه اهرچای و امتداد طولی اهرچای، از جانب غربی، جنوب غربی تا متمایل به جنوب به ترتیب به مرز بین مشگین‌شهر با شهرستان‌های اهر، هریس، سراب و شهر مهربان و در نهایت از جانب شرقی و جنوب شرقی به دامنه‌های قلل مرتفع منتهی می‌گردد. برخی از ایل‌راه‌های اصلی و راه‌های فرعی منشعب شده از آنها بعد از اینکه ایلات را به سمت دامنه‌های ساوالان می‌رسانند، به سمت مراتع ییلاقی اهر، هریس، سراب و مهربان پیشروی می‌کنند. بسیاری از ایل شاهسون در گذشته از این مسیرها برای رسیدن به مراتع شرقی استان آذربایجان شرقی استفاده می‌کردند. در پژوهش حاضر، بررسی میدانی از رودخانه قره‌سو تا حد مرزی میان این شهرها و شهرستان مشگین‌شهر ادامه

یافته است. در همه ایل‌راه‌های مطالعه‌شده در این پژوهش، نقطه مبدأ، رودخانه قره‌سو و نقطه مقصد، همه ییلاقات حوزه غربی و شمال‌غربی ساوالان در محدوده شهرستان مشکین‌شهر و بررسی امتداد مسیر این ایل‌راه‌ها تا انتهای محدوده مرزی این شهرستان بوده است. در این راستا، برای دریافت نتایج بهتر و قابل استنادتر مبنی بر مقایسه نحوه پراکنش محوطه‌های عصر آهنی نسبت به ایل‌راه‌های کنونی، صرفاً به خط طولی هر مسیر ایل‌راه اکتفا نشده و در امتداد طولی هر مسیر ایل، دامنه بررسی میدانی به سمت طرفین در حدود ۲/۵ تا ۳ کیلومتر گسترش یافته است. با این کار در واقع تمام ناحیه‌ای که این ایل‌راه‌ها در آنها قرار گرفته‌اند، به طور کامل بررسی و مطالعه شده و نقطه کوری در محدوده مورد بررسی باقی نمانده است. در این حوزه ۵ ایل‌راه ایل شاهسون شناسایی شده است.

حوزه شمالی ساوالان، ناحیه‌ای که بررسی میدانی در آن انجام شده، محدوده‌ای به وسعت ۲۲۵۰۰۰ هکتار را شامل می‌شود. این محدوده از جانب شمال، شمال‌غربی و شمال‌شرقی به رودخانه قره‌سو منتهی می‌شود. در این نواحی رودخانه قره‌سو به صورت هلالی محدوده مورد مطالعه را محدود کرده که از جانب شمال‌شرقی از روستای ارباب‌کندی شروع شده، به سمت سد بزرگ ساوالان پیش‌روی کرده و بعد از گذشتن از بخش شمالی روستاهایی مانند پیرازمیان، لمبر، چپقان، قادرلو، کنگرلو، آقدرق و روستای جبدرق، به محدوده بررسی حوزه شمال‌غربی و غربی منتهی می‌شود. رودخانه قره‌سو از بخش شمالی همه این روستاها عبور می‌کند و در نهایت بعد از چند کیلومتر، با رودخانه اهرچای پیوند می‌یابد. حوزه مورد بررسی از جانب غرب به بخش غربی شهر مشکین‌شهر، در جایی که ساخت و سازهای شهری آغاز شده و روستاهای قرار گرفته در این بخش از جمله دستگیر، نصیرآباد، پریخان، آقبلاغ، مجنده و عور و مسیر منتهی به دامنه‌های ساوالان محدود می‌گردد. بخش جنوبی حوزه مورد مطالعه به دامنه‌های مرتفع شمالی ساوالان منتهی می‌گردد. در این بخش بسیاری از ایل‌راه‌ها در دامنه‌های مرتفع به پایان می‌رسند. در این حوزه ۱۰ ایل‌راه ایل شاهسون شناسایی شده است (تصویر ۱).



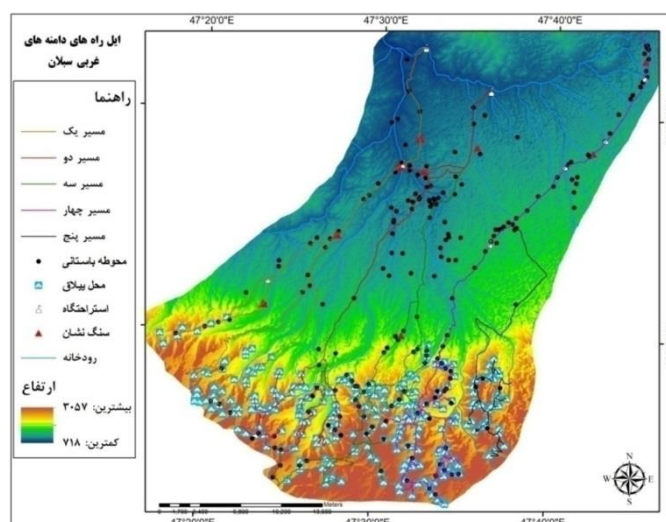
تصویر (۱): محدوده بررسی در دامنه‌های غربی و شمالی و ۱۵ ایل‌راه شاهسون

### یافته‌های پژوهش و مقایسه آنها با سایر محوطه‌های عصر آهن

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در نواحی غربی ساوالان و بازدید میدانی از همه آبادی‌های امروزی که در حوزه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، ۵ ایل‌راه اصلی برای کوچ عشایر شاهسون در این ناحیه وجود داشته است. با اینکه اکنون از همه این مسیرها استفاده نمی‌شود و جابجایی‌ها از طریق وسائل نقلیه صورت می‌گیرد، آثار همه این ایل‌راه‌ها و حتی عناوین قدیمی آنها حفظ شده است. اولین مسیر از محدوده مرزی بین مشگین‌شهر و اهر و محل تلاقی قره‌سو با اهرچای آغاز شده و مسیرهای دیگر که با رنگ‌های مختلف مشخص شده‌اند، با فواصل متفاوت نسبت به هم به ترتیب در نواحی شرقی آن قرار گرفته‌اند. این ایل‌راه‌ها به ترتیب از غرب به شرق با عناوین ایل‌راه زاخر، قوزلو، دیبکلو، آلوچ و عور شناخته می‌شوند.

به طور کلی در طول این ۵ ایل‌راه اصلی که عشایر شاهسون را به سمت دامنه‌های غربی ساوالان هدایت می‌کنند، تعداد ۲۰۷ محوطه باستانی به ثبت رسید که نشان می‌دهد اقوام کوچ‌گر عصر آهنی نیز از این مسیرها استفاده می‌کردند (تصویر ۲). تعداد ۱۸۱ محوطه یعنی حدود ۸۷ درصد از محوطه‌ها از نوع گورستان هستند که همگی بدون ارتباط با محوطه‌های استقرار هستند و به اقوام کوچ‌گر عصر آهنی تعلق دارند (جدول ۱). نزدیک به نیمی از این گورستان‌ها در دامنه‌های ساوالان و در محل ییلاق‌های امروزی ایل شاهسون قرار دارند. سایر محوطه‌های

ثبت‌شده از نوع قلاع مرکزی و اقماری و محوطه‌های استقراری هستند که همگی بدون استثنا در نواحی دشتی و در طول مسیر بودند و در دامنه‌ها آثاری از این نوع محوطه‌ها دیده نشد. حدوداً ۳۱ درصد از محوطه‌ها وسعتی بین ۱ تا ۲ هکتار دارند. ۲۵ درصد از محوطه‌ها وسعتی در حدود ۰/۵ تا ۱ هکتار و حدود ۲۱ درصد از محوطه‌ها وسعتی در حدود ۲ تا ۴ هکتار دارند. محوطه‌های دیگر وسعت بیشتری دارند که در نمودار (۱) نشان داده شده است. بر اساس نمودار (۲)، ۲۹ درصد از محوطه‌های گورستانی دارای گورهای پشته‌سنگی و خاکی هستند. ۲۰ درصد از گورستان‌ها گورهایی از نوع کورگانی و ۱۷ درصد از آنها قبوری از نوع تومولوس دارند. سایر قبور بین ۲ تا ۴ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. با اینکه نمی‌توان به یقین بیان کرد که ایل‌راه‌های فعلی دقیقاً منطبق با همان مسیرهای باستانی بوده‌اند، ولی بر اساس مدارک، شواهد و نحوه پراکنش محوطه‌های عصر آهنی این موضوع کاملاً مشخص است که تفاوت چندانی در انتخاب مسیر ایل‌راه‌های باستانی و امروزی وجود نداشته است. این مسیرهای سهل‌الوصول و سرشار از منابع آبی از حدود اوایل عصر آهن انتخاب شده و طی گذر زمان به عنوان مسیرهای ثابت کوچ‌گری تثبیت شده‌اند و در عصر حاضر، اقوام کوچ‌گر شاهسون، وارث این مسیرهای باستانی هستند.

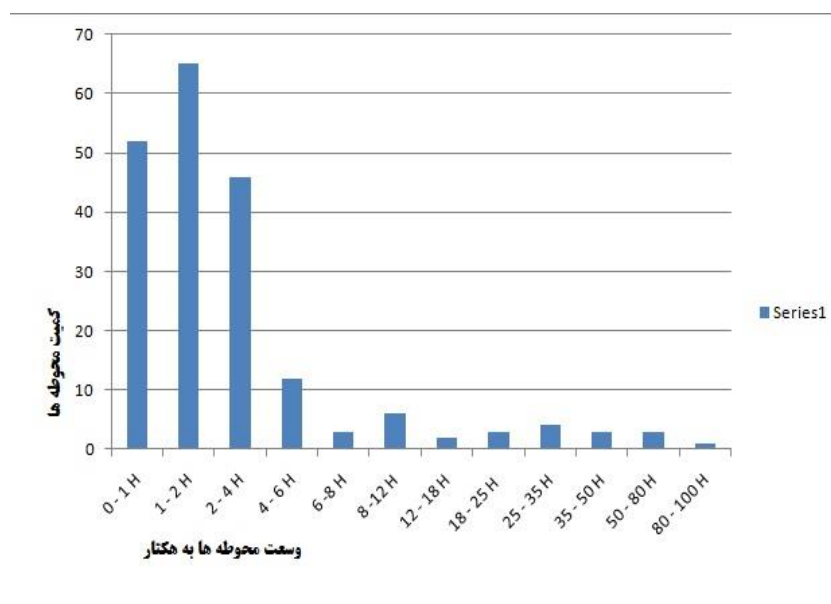


تصویر (۲): محوطه‌های قرار گرفته در طول ۵ مسیر ایل‌راه دامنه‌های غربی ساوالان

جدول (۱): تعداد و نوع محوطه‌های عصر آهنی دامنه‌های غربی ساوالان

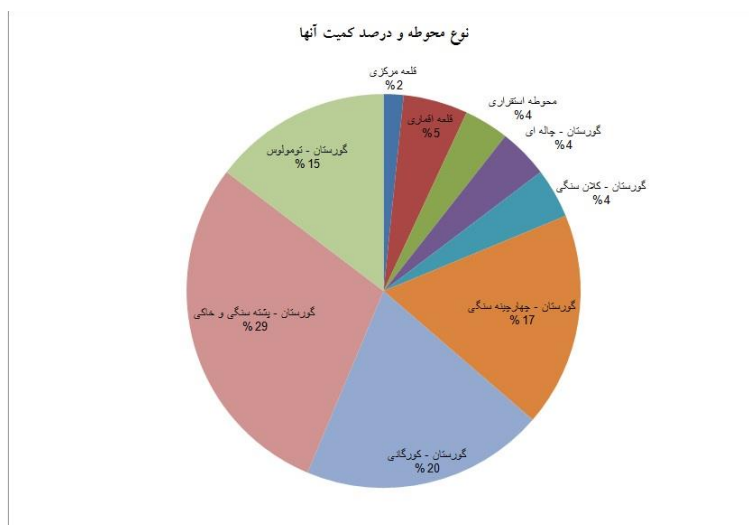
شماره و نام ایل‌راه	قلعه‌ها		محوطه استقراری	تعداد محوطه‌های گورستانی با نوع گورهای:						
	اقماری	مرکزی		گورستان <sup>۰</sup>	چاله‌ای	کلان سنگی	چهارچینه سنگی	کورگانی	پشته سنگی و خاکی	تومولوس
۱ (زاخر)	۳	۱	۰	۳۰	۱	۰	۹	۱۱	۶	۵
۲ (قوزلو)	۳	۱	۱	۳۷	۲	۱	۹	۱۳	۷	۸
۳ (دیکلو)	۶	۱	۲	۴۷	۱	۴	۱۶	۷	۲۷	۹
۴ (آلوچ)	۱	۱	۶	۶۲	۶	۵	۸	۱۸	۲۶	۱۴
۵ (غور)	۰	۰	۰	۵	۱	۰	۱	۰	۵	۰
جمع	۱۳	۴	۹	۱۸۱	۱۰	۱۰	۴۳	۴۹	۷۱	۳۶

\* برخی گورستان‌ها بیش از یک یا دو نوع گور دارند.



نمودار (۱): وسعت محوطه‌های قرار گرفته در محدوده مورد بررسی در طول ۵ ایل‌راه اصلی

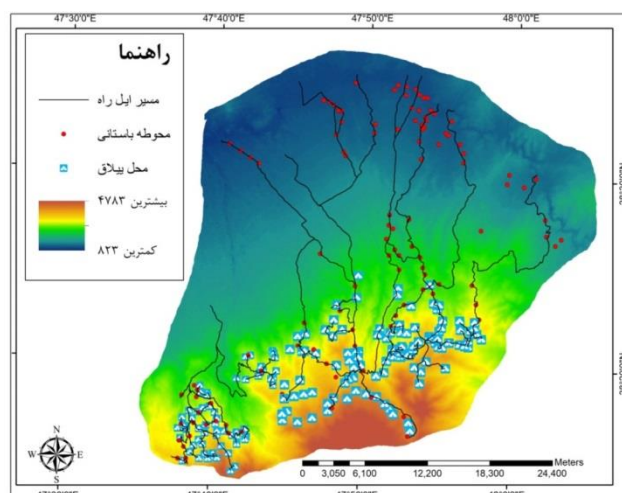




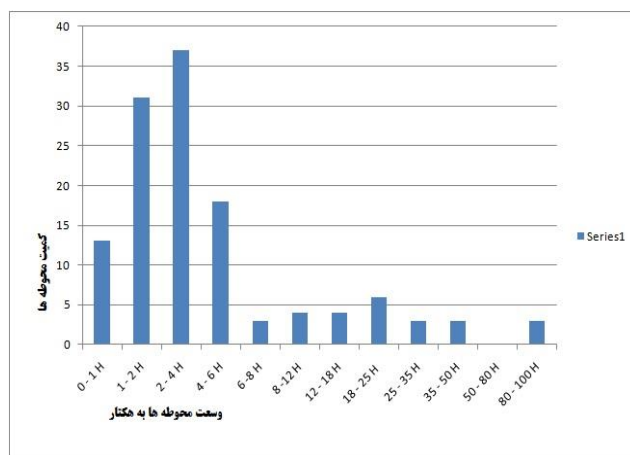
نمودار (۲): نوع و درصد محوطه‌های قرارگرفته در ۵ ایل‌راه دامنه‌های غربی ساوالان

در حوزه شمالی ساوالان، ۱۰ ایل‌راه متعلق به شاهسون‌ها شناسایی شد که به ترتیب از شرق به غرب با عناوین آق‌بولاغ، ساربانلار، لاری، کنگرلو، چپقان، قادرلو، أنار، شهریری، مس‌دره‌سی و دوجاخ شناخته می‌شوند. به طور کلی در طول این ۱۰ ایل‌راه اصلی و فرعی که عشایر شاهسون را به سمت دامنه‌های شمالی ساوالان هدایت می‌کنند، ۱۲۵ محوطه عصر آهنی به ثبت رسید که بیانگر این موضوع است که اقوام کوچ‌گر عصر آهنی نیز از این مسیرها استفاده می‌کردند (تصویر ۳). ۱۲۱ محوطه یعنی حدود ۹۶/۸ درصد از این محوطه‌ها از نوع گورستان هستند که همگی بدون ارتباط با محوطه‌های استقراری هستند و به اقوام کوچ‌گر عصر آهنی تعلق دارند (جدول ۲). نزدیک به ۵۰ محوطه از این گورستان‌ها در دامنه‌های ساوالان و در محل بیلاقی‌های امروزی عشایر شاهسون قرار دارند. ۴ محوطه از محوطه‌های ثبت‌شده از نوع قلاع مرکزی، اقماری و محوطه‌های استقراری هستند که همگی بدون استثنا در نواحی دشتی و در طول مسیر بودند و در دامنه‌ها آثاری از این نوع محوطه‌ها دیده نشد. حدوداً ۳۰ درصد از محوطه‌ها وسعتی بین ۲ تا ۴ هکتار دارند؛ ۲۵ درصد از محوطه‌ها وسعتی در حدود ۱ تا ۲ هکتار، ۱۵ درصد وسعتی بین ۴ تا ۶ هکتار و حدود ۱۰ درصد از محوطه‌ها وسعتی در حدود ۰/۵ تا ۱ هکتار دارند. محوطه‌های دیگر وسعت بیشتری

دارند که در نمودار (۳) نشان داده شده است. بر اساس نمودار (۴)، ۵۳ درصد از محوطه‌های گورستانی دارای گورهای پشته‌سنگی و خاکی هستند. ۱۹ درصد از گورستان‌ها گورهایی از نوع چهارچینه‌سنگی، ۱۴ درصد از آنها قبوری از نوع تومولوس و ۶ درصد هم گورهای کورگانی دارند. سایر قبور بین ۱ تا ۳ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.



تصویر (۳): محوطه‌های عصر آهن قرارگرفته در طول ۱۰ مسیر ایل‌راه دامنه‌های شمالی ساوالان

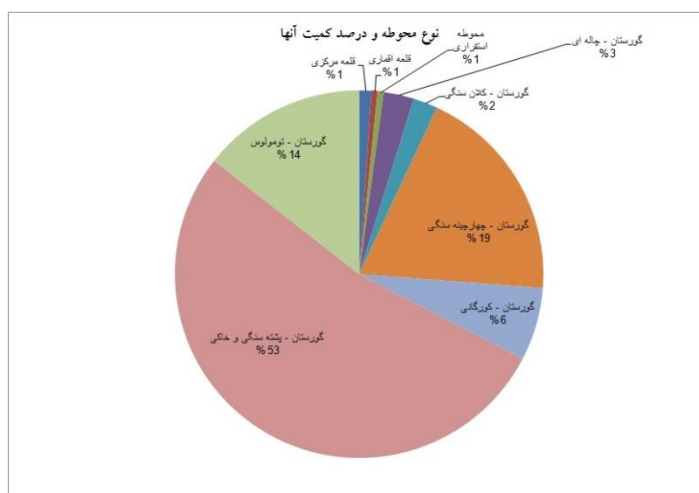


نمودار (۳): وسعت محوطه‌های قرارگرفته در دامنه‌های شمالی ساوالان

جدول (۲): تعداد و نوع محوطه‌های عصر آهنی دامنه‌های شمالی ساوالان

شماره و نام ایل‌راه	قلعه‌ها		محوطه استقراری	تعداد محوطه‌های گورستانی با نوع گورهای:						
	انعامی	مرکزی		گورستان*	چاله‌ای	کلان‌سنگی	سنگی	چهارچینه سنگی	گورگانی	سنگی و پیشینه سنگی و خاک
۶ (آق‌بولاغ)	۰	۰	۱	۱۹	۰	۲	۲	۰	۱۸	۰
۷ (ساربانلار)	۰	۰	۰	۱۰	۲	۱	۱	۰	۹	۱
۸ (لاری)	۰	۰	۰	۱۴	۱	۰	۴	۲	۱۰	۳
۹ (کنگرلو)	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۱	۲	۱
۱۰ (چپقان)	۰	۱	۰	۲۰	۱	۱	۹	۳	۱۵	۳
۱۱ (قادرلو)	۰	۰	۰	۷	۱	۰	۵	۱	۵	۵
۱۲ (أنار)	۰	۱	۰	۱۷	۰	۰	۵	۰	۱۰	۴
۱۳ (شهریری)	۰	۰	۰	۱۴	۰	۰	۴	۱	۹	۵
۱۴ (مس‌دره)	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۴	۱	۹	۵
۱۵ (دوچاخ)	۱	۰	۰	۱۴	۰	۰	۲	۳	۱۲	۰
جمع	۱	۲	۱	۱۲۱	۵	۴	۳۶	۱۲	۹۹	۲۷

\* برخی از گورستان‌ها بیش از یک یا دو نوع گور دارند.



نمودار (۴): نوع و درصد محوطه‌های قرارگرفته در ایل‌راه‌های دامنه‌های شمالی ساوالان

محوطه‌های قلعه‌ای شناسایی شده در این حوزه را می‌توان با نمونه‌هایی مورد مقایسه قرار داد که در سایر حوزه‌های جغرافیایی مطالعه شدند و متعلق به هزاره دوم و اول پیش از میلاد هستند. به عنوان نمونه در جمهوری نخجوان قلعه کازانچی دارای دو قلعه ۱ و ۲ است که دیواره‌ها با سنگ‌های بزرگ و کوچک به صورت خشکه‌چین ساخته شده است (Belli, 2001: 415). در قلعه شاه‌تختی که متعلق به عصر آهن است، محوطه با یک دیوار دفاعی محصور شده است (Belli and Bahşaliyev, 2001: 19-30). در قلعه قاراباغلار در نزدیکی نخجوان که به اواخر هزاره دوم پ.م. تعلق دارد، یک دیوار دفاعی به دور محوطه به صورت خشکه‌چین کار شده است (Seyidov, 2003: 189). نمونه دیگر در جمهوری آذربایجان دیده می‌شود که در قلعه اوزرلیک تپه دیوار دفاعی بزرگی برای حفاظت از محوطه ساخته شده است (Kushnareva, 1997: 25). در همین حوزه، در چالخان قلعه با محوطه‌ای روبرو هستیم که با یک دیوار دفاعی عریض محصور شده است که تاریخ این محوطه به اواسط هزاره دوم پ.م. برمی‌گردد (Belli, 2001: 413). ویژگی مشابهی در اوغلان قلعه نیز دیده می‌شود و دیوار دفاعی به دور محوطه ساخته شده است که به عصر مفرغ جدید و آهن قدیم تعلق دارد (همان، ۱۳۸۳-۴۱۶).

وجود چنین قلاعی با یک یا دو دیوار دفاعی در داخل ایران نیز مطالعه شده است که تاریخی از اواخر مفرغ جدید تا عصر آهن ۲ را شامل می‌شوند. به عنوان مثال، نمونه مشابهی در بررسی‌های حوضه رود مشکین‌چای دیده می‌شود (آیرملو، ۱۳۹۷: ۱۵۸). یکی از آنها در قلعه بوینو یوغون شهرستان نیر در استان اردبیل مطالعه شده است (پورفرج، ۱۳۸۶ ب: ۸۹). نمونه دیگر در محوطه بزرگ شهریری شناسایی شده است (هژبری‌نوبری، ۱۳۸۳: ۷۱).

از سایر محوطه‌های عصر آهن ایران و مناطق هم‌جوار، نمونه قبور کلان‌سنگی مشابه گورهای حوزه مورد مطالعه پژوهش حاضر شناسایی و کاوش شده است. در شمال ایران در گورستان مریان گیلان (خلعتبری، ۱۳۸۳ ب: ۱۰۵-۱۰۴)، گورستان چوتوک رامسر (قربانپور، ۱۳۹۱: ۸۷)، گورستان پشتاسو در رامسر (همان: ۱۰۰)، در منطقه تالش گیلان (De Morgan, 1905: 267-305)، در گورستان میانرود گیلان (خلعتبری، ۱۳۸۳ الف: ۱۱۱-۱۰۹)، در گورستان اسب‌سرا در گیلان (همان، ۱۳۷۷: ۱۲۵-۱۰۱)، گورستان تندوین گیلان (همان، ۱۳۸۳ ب: ۱۱۵)، گورستان تول گیلان (همان، ۱۳۸۳ ج: ۱۱۶-۱۱۹) نمونه‌های متفاوتی از گورهای کلان‌سنگی به دست آمده است.

در شمال‌غرب ایران، در گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر (رضالو، ۱۳۹۱: ۲۰۱)، گورستان تپه معصوم‌آباد اردبیل (زیوری، ۱۳۹۳: ۸۲)، گورستان قوشقویان اردبیل (همان: ۷۸)، گورستان زردخانه اهر (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۵)، گورستان شهریری مشگین‌شهر (هژبری‌نوبری، ۱۳۸۳: ۱۵۸؛ پورفرج، ۱۳۸۶ الف: ۱۵۸) نمونه‌های مشابه بررسی و کاوش شده است. در غرب ایران، در گورستان شورابه (Vanden Berghe, 1972: 40)، گورستان پایکال (همان، ۴۵)، گورستان کول‌تاریکه در اطراف سندج (Rezvani and Rustaei, 2007: 164) و گورستان زاگرس (عاملی‌راد، ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۰۰) گورهای کلان‌سنگی بزرگ با پوششی از تخته‌سنگ‌های بسیار بزرگ کاوش شده است.

از نمونه قبور کورگانی و تومولوس این حوزه در سایر محوطه‌های عصر آهنی نیز گزارش شده است. در شمال‌غرب ایران از گورستان زردخانه اهر (نیک‌نامی و کاظم‌پور، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۱۱۴)، گورستان لاریجان خدافین کلیبر (هژبری‌نوبری، ۱۳۸۶: ۴۱)، گورستان طوعلی خدافین کلیبر (همان: ۱۶۷) و گورستان جعفرآباد خدافین کلیبر (ایروانی‌قدیم، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۰۰)، تعداد زیادی کورگان مورد کاوش قرار گرفته است. در محوطه سه‌گردان در آذربایجان غربی نیز تومولوس‌هایی در ابعاد و اندازه‌های مختلف شناسایی و کاوش شده است (ماسکارلا، ۱۳۸۸: ۲۰۰-۱۶۱).

در خارج از ایران در جمهوری آذربایجان، در محوطه چالخان تپه گورتپه و کورگان‌های بزرگی دیده می‌شود که ارتفاع پشته آنها ۱/۲ متر و قطر آن به ۱۰-۸ متر نیز می‌رسد (Seyidov, 2003: 196) و در گورستان ساری دره I، کورگان‌هایی به ارتفاع ۱/۵ متر مشاهده می‌شود (همان، ۲۰۶).

گورهای چهار چینه‌سنگی حوزه مورد مطالعه به لحاظ کمیت در اکثریت قرار دارند. در اغلب گورستان‌های این حوزه آثاری از چنین قبوری دیده می‌شود. نمونه مشابه آنها در بسیاری از مناطق کاوش شده است. به عنوان نمونه، در شمال ایران، در گورستان تول‌گیلان (خلعتبری، ۱۳۸۳ ج: ۵۰-۱۸)، گورستان وسکه گیلان (همان، ۱۳۸۳ الف: ۶۸)، گورستان میانرود گیلان (همان، ۱۳۸۳ ب: ۷۳)، قلعه کوتی گیلان (Egami et al., 1965: 5)، گورستان مارلیک گیلان (Negahban, 1996: 89-100)، گورستان تندوین گیلان (خلعتبری، ۱۳۸۳ ب: ۸۰-۶۶)، گورستان

مریان در گیلان (همان، ۱۳۰-۹۰)، گورستان شیرچاک (آبیاری، ۱۳۷۴: ۱۵۸)، گورستان لاسلوکان گیلان (Egami et al, 1965: 22)، گورستان امام (صمدی، ۱۳۳۸: ۸۹)، گورستان اسب‌سرا (خلعتبری، ۱۳۷۷: ۷۴-۸۲)، گورستان دریاچه قو در رامسر (قربانپور، ۱۳۹۱: ۸۵)، گورستان چوتوک رامسر (همان، ۸۹) و گورستان بازرش رامسر (همان، ۸۹) انواع گورهای چهارچینه سنگی کاوش شده است.

در شمال غرب ایران، در گورستان دینخواه II (Muscarella, 1968: 189)، گورستان تپه حسنلو (حاکمی و راد، ۱۳۲۹: ۳۱-۲۶)، گوی تپه ارومیه (Burton Brown, 1951: 100-118)، گورستان زردخانه اهر (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸-۱۰۶)، گورستان قلعه خسرو در اردبیل (رضالو، ۱۳۸۶: ۱۰۰)، گورستان شهریری (پورفرج، ۱۳۸۶ الف: ۳۰۲)، گورستان قلعه بوینیوگون نیر (همان، ۱۳۸۶ ب: ۲۰)، گورستان سرند دغدغان آذربایجان شرقی (ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۲-۸۸)، گورستان تپه معصوم‌آباد اردبیل (زیوری، ۱۳۹۳: ۸۲)، گورستان قوشقویان اردبیل (همان: ۷۸) و در گورستان کیچیک یوردی اردبیل (همان: ۷۳) چندین گور چهار چینه سنگی بررسی و مورد کاوش قرار گرفته است.

در غرب ایران در گورستان کول‌تاریکه در نزدیکی سنندج (Rezvani and Rustaei, 2007: 156-169)، گورستان شورابه (Vanden Berghe, 1972: 40)، گورستان کان‌گنبد (افشار، ۱۳۷۲: ۱۸۱)، گورستان دمگر پرچینه هکلان (Vanden Berghe, 1974: 16)، گورستان گل خونان‌مرد (Haerinck & Overlaet, 1998: 167)، گورستان کتل گُل گُل (Overlaet, 2002: 65)، گورستان بردبال (همان، ۶۶)، گورستان پایکال (Ibid: 67)، گورستان چمژی‌مومه (همان، ۶۹) و گورستان خاتون‌بان (Haerinck & Overlaet, 2004: 110) چندین گور چهارچینه‌سنگی مورد کاوش قرار گرفته است.

در خارج از ایران در جمهوری نخجوان، در گورستان بی‌احمد و گورستان پلوداغ ۳ (Belli, 2001: 211-212)، گورستان قارا بولاغ (Seyidov, 2003: 207-8)، گورستان کولانی (همان، ۲۰۶)، گورستان قیزیل (Kushnaereva 1997: 146)، گورستان یوردجو (Seyidov, 2003: 205)، گورستان کِرکی (همان، ۱۵۲)، گورستان کوکو (همان، ۱۵۰)، گورستان نحجیر (Seyidov and Bahşaliyev, 2002: 143-5) چندین گور چهار چینه‌سنگی مورد کاوش قرار گرفته است.

در جمهوری آذربایجان، در گورستان آفشال (Seyidov, 2003: 14)، گورستان ساری‌دره (همان، ۲۰۶)، گورستان زیوه (همان، ۱۲۵)، گورستان شورته‌په (همان، ۱۳۹)، گورستان شاه‌تختی (Belli and Bahşaliyev 2001: 19-30)، و گورستان قاراباغ‌لار I (Seyidov, 2003: 204) نمونه گورهای مشابه گزارش شده است.

در جمهوری ارمنستان، در دشت تساکویت در نتیجه بررسی‌های باستان‌شناختی، ۱۶۲ گورستان با گورهای چهارچینه‌سنگی شناسایی شده است (Badalyan et al., 2003: 156-163). گورهای چاله‌ای و پشته‌خاکی و سنگی که در گورستان‌های حوزه مورد مطالعه شناسایی شدند، به تعداد بی‌شماری در سایر محوطه‌های عصر آهن کاوش شده است. این نوع گورها رایج‌ترین گورهای عصر آهن هستند که در اغلب گورستان‌های آن‌ها دیده می‌شود. نمونه‌های مشابه در شمال ایران، در گورستان وسکه (خلعتبری، ۱۳۸۳ الف: ۷۵)، گورستان سیاه‌کوه (Fukai and Matsutani, 1982: 58-66)، گورستان کلورز (خلعتبری، ۱۳۷۱: ۱۲۵)، گورستان ثماجان (صمدی، ۱۳۳۸: ۸۵)، گورستان شهران (خلعتبری، ۱۳۷۰: ۱۰۶) و گورستان لسلوکان (Egami & et al., 1965: 22) کاوش شده است.

در شمال غرب ایران نمونه‌ای از قبور پشته‌سنگی در دوره دوم حسنلوی ۵ (دایسون، ۱۳۸۷: ۲۸) و گورستان مسجد کبود تبریز (هژبری نوبری، ۱۳۸۲: ۱۲۵) گزارش شده است. در فلات مرکزی قبور چاله‌ای پشته‌سنگی از گورستان B سیلک به دست آمده است (Ghirshman, 1939: 89-100).

در غرب ایران، در گورستان زاگرس (Amelirad et al, 2011: 60-70) و گورستان شورابه (Vanden Berghe, 1972: 16) چندین گور چاله‌ای پشته‌سنگی و خاکی کاوش شده است. در خارج از ایران در جمهوری ارمنستان، در گورستان آریچ (Kushnareva, 1997: 124-7)، گورستان محوطه کارمیر برد (همان، ۶-۱۱۴)، گورستان نورباک برخی از گورها به شکل چاله‌ای است که تپه‌ای روی آن ایجاد شده است و سنگ‌چین مدور دارد. قطر این سنگ‌چین‌های مدور ۱۰ تا ۱۲/۴۰ متر و ارتفاع تپه‌های ایجادشده روی گورها ۱ متر است و در گورستان ورین نور (همان، ۱۷۷) نمونه‌های زیادی از قبور پشته‌سنگی و خاکی کوچک و بزرگ کاوش شده است. در گورستان کوکو در جمهوری نخجوان نیز چنین قبوری گزارش شده است (Seyidov, 2003: 150-55).

## بحث

یافته‌های پژوهش حاکی از این موضوع است که حوزه مورد مطالعه در طی عصر آهن، یکی از مهمترین نواحی مورد استفاده اقوام عصر آهنی بوده است. از آنجا که زندگی کوچ‌نشین و به تبع آن، معیشت اقتصادی آن وابسته به نگهداری و پرورش دام بوده است، در این شیوه ساختار اقتصادی، بهره‌گیری از مستعدترین منابع و مراتع در اولویت قرار می‌گیرند. به همین دلیل است که مراتع ییلاقی ساوالان بیش از هر جای دیگری در حوزه شرقی شمال‌غرب دارای محوطه‌های باستانی از عصر آهن است. دقیقاً همان روندی که امروزه در زندگی عشایر شاهسون به کار گرفته شده است.

نتایج بررسی میدانی و مقایسه ساختارهای باستان‌شناختی که در حوزه مورد مطالعه شناسایی شدند با سایر محوطه‌های همزمان در سایر بخش‌ها، اعم از قلاع، محوطه‌های استقراری و ساختارهای تدفینی، نشان‌دهنده ارتباطات فرهنگی جالب توجهی است که این ارتباطات را فقط می‌توان با موضوع مهاجرت اقوام در عصر آهن توجیه‌پذیر دانست. یافته‌های این حوزه بیشترین تشابه را با فرهنگ‌های عصر آهن نواحی قفقاز از جمله محوطه‌های باستان‌شناسی جمهوری آذربایجان، ارمنستان و نخجوان نشان می‌دهد. این موضوع بیانگر مسیر مهاجرت‌های عصر آهن از نواحی شمالی به سمت دشت مشگین‌شهر بوده است. فرهنگ عصر آهن حوزه مورد مطالعه بخشی از یک فرهنگ گسترده است که با وجود حوزه‌های جغرافیایی دور از هم، در کل از یک ریشه واحد نشئت می‌گیرند.

آنچه از کمیّت و کیفیت محوطه‌های باستانی حوزه مورد مطالعه قابل برداشت است، وجود اقوام مختلفی از عصر آهن با اعتقادات و آیین‌های مذهبی نزدیک به هم است. البته چنین تحلیلی با دشواری‌ها و خطاهایی هم روبروست. نمی‌توان گورستان‌های باستانی مربوط به اقوام کوچ‌رو را با گورستان‌های امروزی که متعلق به یک روستا هستند، قیاس کرد. در نمونه‌های امروزی یک گورستان ممکن است برای مدت چند سده با یک شیوه تدفین یکسان توسط یک روستا مورد استفاده قرار بگیرد، ولی در نمونه‌های باستانی مشخص نیست که یک گورستان فقط توسط یک قوم خاص که هر ساله در یک مکان ثابت و خاص اتراق می‌کرده است استفاده شده است یا اینکه این گورستان هر ساله پذیرای مردگان اقوام متعدد بوده است که محل ییلاقشان هر



ساله عوض می‌شده است. بر اساس مشاهدات میدانی، امروزه بسیاری از عشایر شاهسون هر ساله محل ییلاق‌های خود را با گروه‌های دیگر عوض می‌کنند. مواردی بودند که هر ۵ سال یک بار از یک ییلاق خاص استفاده می‌کردند. برای عصر آهن نیز چنین سازوکاری قابل پیش‌بینی است. وجود چندین نوع گور در یگ گورستان فقط با این استدلال قابل توجیه است؛ یا این قبور متعلق به یک قوم خاص با رفتارها و آیین‌های مذهبی متفاوت بوده است یا اینکه، در نتیجه استفاده چندین قوم با آیین‌های مذهبی مختلف از یک گورستان در طی چند سال یا چندین سده بوده است. هر چه هست، ساختارهای تدفینی نشئت گرفته از ریشه‌های مذهبی یکسانی است.

بر اساس نتایج مطالعات، پاسخ به این پرسش که «نحوه پراکنش و توزیع جغرافیایی محوطه‌های عصر آهن مشگین‌شهر نسبت به ایل‌راه‌های امروزی ایل شاهسون» چگونه بوده است، بسیار آسان است. بررسی میدانی ایل‌راه‌های امروزی شاهسون، تطابق نسبی ایل‌راه‌های امروزی با پراکنش و توزیع محوطه‌های عصر آهنی را نشان می‌دهد. محوطه‌های عصر آهنی به گونه‌ای پراکنده شده‌اند که نسبت به ایل‌راه‌های عشایر شاهسون در یک خط‌الرأس طولی قرار گرفته‌اند. این موضوع بیانگر این واقعیت است که مسیرهای کوچ و جابجایی‌های قومی و قبیله‌ای که در عصر آهن اتفاق افتاده و اقوام از آنها برای دسترسی به ییلاق‌های دامنه‌های ساوالان استفاده کرده‌اند، از ایل‌راه‌های امروزی یا نزدیک به این مسیرها عبور کرده است. مسیرهایی که مطمئناً نسبت به عوامل و عارضه‌های طبیعی شکل گرفته‌اند و وضعیت ویژه خود را تاکنون حفظ کرده‌اند.

از حدود اواخر عصر مفرغ و آغاز عصر آهن، با شدت گرفتن مهاجرت‌های قومی و قبیله‌ای، یک سری قلاع مرکزی و اقماری در حوزه شرقی شمال‌غرب ایران شکل گرفتند که پیشتر در نواحی قفقاز چنین ساختارهایی به وجود آمده بودند. ظهور و وجود چنین قلعه‌هایی بیانگر ظهور جوامعی با ساختارهای پیچیده سیاسی و اجتماعی در این حوزه است. نباید دور از ذهن بدانیم که اصلاً وظیفه چنین قلعه‌هایی در برخی موارد تأمین امنیت ایل‌راه‌ها بوده است. این قلاع که جامعه بومی به اداره آن می‌پرداخت، علاوه بر اینکه از حدود و ثغور خود در برابر تازه‌واردان محافظت می‌کردند، در قبال تأمین امنیت جاده‌ها و ایجاد مسیرهای سهل‌الوصول، در حین عبور عشایر و در فصل ییلاق، از آنها هزینه‌هایی را در قالب دام، پشم و سایر تولیدات عشایر دریافت

می‌کردند و اجازه عبور به آنها می‌دادند، همان سیستمی که امروزه در برخی آزادراه‌ها پیاده می‌شود. با نگاهی به موقعیت این قلعه‌ها متوجه می‌شویم که آنها در مکان‌های ویژه‌ای در سطح دشت و نزدیک به سامانه‌های آبی دائمی و حیاتی مانند قره‌سو و در برخی موارد چسبیده به این رودخانه‌ها قرار دارند. جایی که عشایر مجبور بودند از آن عبور یا در آنجا احشام خود را سیراب کنند. آثاری از این قلعه‌ها، حتی یک مورد هم در دامنه‌های ساوالان دیده نمی‌شود و این ساختارهای دفاعی، امنیتی و نظامی صرفاً در سطح دشت و بر سر گذرگاه‌های مهم و استراتژیک ساخته شده‌اند.

بی‌شک، تثبیت یک ایل‌راه به عنوان مسیری سهل‌الوصول برای کوچ در طی چندین سده و هزاره صورت گرفته است. مسیرهایی که به طور دائم از آنها رفت و آمد می‌شد و بر اساس تجربه، کیفیت آنها در مدت زمان طولانی مورد آزمایش قرار گرفته و مناسب‌ترین آنها به لحاظ امنیت جانی و مالی انتخاب شده‌اند. ایل‌راه‌هایی که در پژوهش حاضر مورد بررسی میدانی قرار گرفتند از امر مستثنی نیستند. با نگاهی به نقشه کلی همه مسیرها و نحوه پراکنش محوطه‌های عصر آهنی، قرار گرفتن این محوطه‌ها در مسیر این ایل‌راه‌ها کاملاً مشهود است. این موضوع زمانی بیشتر اهمیت می‌یابد که بیان شود همه حوزه مورد مطالعه بررسی شده و تقریباً نقطه کوری در منطقه باقی نمانده است. همان طور که مشاهده می‌شود، هر چه از مسیرها به سمت طرفین پیشروی می‌شود، از تعداد محوطه‌ها کاسته می‌شود. این نحوه پراکنش محوطه‌ها، در یک خط طولی بودن محوطه‌ها را نمایان می‌کند و این خط طولی همان مسیر ایل‌راه‌های امروزی و باستانی است. بررسی ایل‌راه‌های این حوزه حاوی نکات دیگری است. در همه مسیرها تا حد امکان از حرکت در داخل دره‌ها و کنار پرتگاه‌ها و دامنه‌های پرشیب اجتناب شده است. فقط در مواردی که برای استراحت احشام و سیراب کردن آنها، باید وارد بستر رودخانه‌ها می‌شدند، از حرکت طولی در مسیر و در داخل بستر رودخانه‌ها خودداری شده و ورود به بستر رودخانه صرفاً به صورت عمودی و برای گذر از آنها صورت گرفته است. در همه مسیرها، تا رسیدن به دامنه‌های کم‌شیب و پرشیب ساوالان، پیوسته حرکت در سطح دشت و مناطقی صورت گرفته که دید کاملی به محیط اطراف داشته‌اند. به نظر می‌رسد این امر برای دفع خطرهای احتمالی طبیعی، حیوانی و انسانی انجام شده است.

نتایج بررسی میدانی نشان داد که به لحاظ وسعت و کیفیت ساختارهای تدفین، بهترین محوطه‌ها در محل ییلاق‌های امروزی ایل شاهسون قرار داشتند. این موضوع بیانگر این نکته است که مکان‌هایی که امروزه به عنوان محل ییلاق انتخاب شده‌اند، بهترین مکان‌ها برای اسکان موقت ییلاقی هستند و به احتمال بسیار زیاد، این مکان‌ها در عصر آهن نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بسیاری از گورستان‌های عصر آهن دقیقاً در محل چادرهای امروزی ایل شاهسون و برخی در حد فاصل بین محل ییلاق‌ها قرار داشتند. تقریباً در این ناحیه محوطه‌ای نبود که در نزدیکی آن محل ییلاقی وجود نداشته باشد.

بر اساس باستان‌شناسی چشم‌انداز، ایل‌راه‌هایی که امروزه عشایر شاهسون استفاده می‌کنند، بهترین مسیرهایی هستند که این اقوام آنها را شناسایی کرده‌اند تا در کمترین زمان ممکن با امنیت بیشتر خود را به مراتع ییلاقی برسانند. مطالعات قوم‌باستان‌شناسی نشان می‌دهد تفکراتی که در انتخاب این مسیرها مورد توجه قرار گرفته، در دوره باستان نیز مورد توجه بوده است. استفاده از مسیرهایی سهل‌الوصول، دوری از پرتگاه‌ها و دره‌ها، بهره‌گیری از سامانه‌های آبی این حوزه برای آب‌دهی احشام و استفاده از مکان‌های مناسب برای استراحت و استقرار، عوامل مهمی به شمار می‌آیند که هم در میان ایل امروزی شاهسون در نظر گرفته شده‌اند و هم اقوام عصر آهن حتی بیش از اقوام امروزی به آن توجه کرده‌اند. تطبیق ایل‌راه‌های امروزی با نحوه توزیع محوطه‌های عصر آهن این موضوع را روشن می‌کند.

### نتیجه‌گیری

- به طور کلی موارد زیر از پژوهش حاضر قابل دریافت است:
- ایل‌راه‌های امروزی با پراکنش محوطه‌های عصر آهن در یک خط قرار دارند و اغلب محوطه‌های عصر آهن قرارگرفته در مسیر و محل ییلاق‌های دامنه‌های ساوالان از نوع گورستان است؛
  - در محل ییلاق‌ها و در دامنه‌های ساوالان هیچ گونه آثاری از وجود قلعه و محوطه استقراری مشاهده نشد و این نوع سایت‌ها فقط در سطح دشت قرار داشتند؛
  - محوطه‌های قرارگرفته در محل ییلاق‌ها و در حد فاصل آنها وسعت بیشتری دارند؛

- بسیاری از مسیرها به هم متصل هستند و امکان تغییر مسیر در همه آنها به راحتی قابل انجام بوده است؛
- به سمت دامنه‌هایی با ارتفاع بیشتر به طور چشمگیری از تعداد محوطه‌های باستانی کاسته شده است؛
- چه در طول مسیر و چه در محل بیلاق‌ها، تراکم محوطه‌ها در نزدیکی و محل منابع آبی بسیار بیشتر است؛
- در محل بیلاق‌ها، گورستان‌های متمرکز یعنی تجمع قبور زیاد در یک وسعت کم به ندرت دیده می‌شود و بسیاری از گورستان‌ها با وجود وسعت زیاد تراکم قبور کمی دارند. گورها با فاصله در محل بیلاق‌ها و حد فاصل آنها پراکنده‌اند.

### منابع

- آبیار. منصور (۱۳۷۴). *چگونگی تدفین در گیلان در هزاره اول قبل از میلاد*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی. تهران: دانشگاه تهران.
- آیرملو. یحیی (۱۳۹۷). *تجزیه و تحلیل فضایی-آماری الگوهای استقرار محوطه‌های پیش از تاریخی حوضه رود مشگین‌چای براساس بررسی باستان‌شناختی*. رساله دکتری باستان‌شناسی. اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- ایتهاج. ویدا (۱۳۸۳). *بررسی ساختار معماری قبور مگالیتیک عصر آهن ایران: مطالعه موردی محوطه شهریری اردبیل*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ایروانی‌قدیم. فرشید (۱۳۸۹). *گزارش حفاری فصل اول کاوش باستان‌شناسی کورگان‌های جعفرآباد*. تهران: سازمان میراث فرهنگی. پژوهشکده باستان‌شناسی.
- پورفرج. اکبر (۱۳۸۶ الف). *بازنگری عصر آهن شمال‌غرب ایران: مطالعه موردی محوطه شهریری اردبیل و قلاع اقماری*. رساله دوره دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- (۱۳۸۶ ب). *گزارش مقدماتی اولین فصل گمانه‌زنی قلعه بونی یوغون نیر*. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی. صنایع دستی و گردشگری.
- حاجی‌زاده. کریم (۱۳۹۳). *گزارش نهایی اولین فصل کاوش در گورستان قیزیل‌قیه مشگین‌شهر*. تهران:

- پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.  
حاجی‌زاده. کریم. کاظم‌پور. مهدی. فراشی‌برقوئی. حسین (۱۳۹۲). تبیین فرهنگ هزاره دوم قبل از  
میلااد شمال غرب ایران. تهران: انتشارات سمیرا.
- حاکمی. علی و راد. محمود (۱۳۲۹). شرح و نتیجه کاوش‌های علمی حسنلو «سلدوز». گزارش‌های  
باستان‌شناسی. جلد اول. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- خانعلی. حمید (۱۳۹۷). تحلیلی بر روابط فرهنگی شمال‌غرب ایران و قفقاز براساس مطالعه موردی  
سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت به دست آمده از مطالعات باستان‌شناسی محوطه نیایشگاه شهری  
استان اردبیل. رساله مقطع دکتری باستان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- خلعتری. محمدرضا (۱۳۷۰). گزارش بررسی و گمانه‌زنی در شهران. تعیین حریم محوطه باستانی  
اسطلخ جان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
- (۱۳۷۱). کاوش در کلورژ. پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی. تهران:  
دانشگاه تهران.
- (۱۳۷۷). کاوش در گورستان اسب سرا. تهران: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی.
- (۱۳۸۳ الف). کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستان تالش، وسکه و  
میانرود. رشت: اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان.
- (۱۳۸۳ ب). کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستان‌شناسی مریان- تندوین.  
رشت: اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان.
- (۱۳۸۳ ج). کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش (تول). تهران:  
سازمان میراث فرهنگی.
- دایسون، رابرت هنری (۱۳۸۷). کاوش در حسنلو، ترجمه علی صدرائی و صمد علیون. تبریز: انتشارات  
پروژه ترجمه حسنلو.
- رضالو. رضا (۱۳۹۱). گزارش نهایی اولین فصل کاوش گورستان خرم‌آباد مشکین‌شهر. تهران:  
پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.
- (۱۳۸۶). ظهور جوامع با ساختارهای پیچیده اجتماعی و سیاسی در عصر مفرغ جدید.  
رساله دکترای باستان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رضالو. رضا، آیرملو. یحیی (۱۳۹۳). فرهنگ عصر مفرغ جدید و آهن I دشت اردبیل، مطالعه موردی

- قلعه خسرو و قلاع اقماری. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۴(۶). ۸۴-۶۵.  
زنده‌دل. حسن (۱۳۷۹). *جلوه‌های جهانگردی عشایر ایران*. تهران: موسسه تحقیقات و انتشارات کارون.  
زیوری. زهرا (۱۳۹۳). *بررسی آیین‌های تدفینی عصر آهن ۱ و ۲ در شمال غرب ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی. اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.  
ستارنژاد. سعید. اسماعیلی. حسین. رحمت‌پور. محمد. ژاله اقدم. جواد. توحیدی. محسن (۱۴۰۰). *گزارش مقدماتی فصل نخست کاوش باستان‌شناختی گورستان سرنده-دغدغان آذربایجان شرقی*. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۳. ۱۰۰-۷۳.  
صمدی. حبیب‌الله (۱۳۳۸). *حفريات گرمابک و تماجان*. مجله باستان‌شناسی. ۱ و ۲. اداره کل باستان‌شناسی. تهران.  
طلایی. حسن. نوراللهی. علی. فیروزمندی شیره‌جین. بهمن (۱۳۹۳). *قوم باستان‌شناسی کوچ‌نشینی و ایل‌راه‌های غرب زاگرس مرکزی*. جامعه‌شناسی تاریخی. ۶(۲). ۱۹۴-۱۶۳.  
عاملی‌راد. شلیبر (۱۳۸۸). *بررسی، تحلیل و مقایسه اشیای فلزی گورستان زاگرس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی. تهران: دانشگاه تهران.  
عزیزی. پروانه (۱۳۸۷). *بررسی ساختار اجتماعی-اقتصادی ایل شاهسون*. تهران: نشر قومس.  
عسکرپور. وحید، تیرانداز لاله‌زاری. آرش، آجرلو. بهرام (۱۳۹۵). *درآمدی بر قوم باستان‌شناسی کوچ‌روان قره‌داغ مرکزی آذربایجان*. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. ۶(۱). ۱۱۸-۱۰۱.  
قربانپور. معصومه (۱۳۹۱). *بررسی و شناسایی فرهنگ عصر آهن در شهرستان رامسر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.  
ماسکارالا. اسکروایت (۱۳۸۸). *تومولوس‌های سه‌گردان: گزارش‌های مقدماتی*. ترجمه صمد علیون. علی صدرانی. مجموعه مقالات تمدن‌های دشت سولدوز (اشنویه. نقده). آذربایجان غربی: انتشارات گنجینه هنر.  
میرجعفری. احسان (۱۳۸۴). *اصطلاح شاهی سون و ایل شاهسون*. سمینار جغرافیایی ۲. دانشگاه اصفهان.  
نیکنامی. کمال‌الدین، کاظم‌پور. مهدی (۱۳۹۰). *گزارش باستان‌شناسی تعیین حریم محوطه زردخانه*. تبریز: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.  
هژبری‌نوبری. علیرضا (۱۳۸۲). *گزارش فصل دوم کاوش در محوطه باستانی مسجد کبود تبریز*. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور.

- (۱۳۸۳). گزارش فصل اول کاوش در محوطه باستانی شهریری. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- (۱۳۸۶). گزارش فصل اول کاوش در محوطه‌های باستانی لاریجان و طوعلی خداآفرین. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هژبری‌نوبری. علیرضا. خانعلی. حمید، آئیل. یلماز. کوهپیر. سید مهدی موسوی (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل باستان‌شناختی محوطه شهریری. مطالعات باستان‌شناسی. ۱۲(۲). ۲۸۳-۲۶۷.

- Amanolahi-Baharvand. S. (1975). **The Baharvand, former pastoralists of Iran**. Doctoral dissertation: Rice University.
- Amelirad. S., Overlaet, B., Haerinck, E. (2011). **The Iron Age 'Zagros Graveyard' near Sanandaj (Iranian Kurdistan): Preliminary Report on the First Season**. *Iranica Antiqua*, 47: 41-99.
- Badalyan. R. S., Smith. A. T., Avetisyan. P. S. (2003). the emergence of socio political complexity in southern Caucasia, In *Archaeology in the borderlands: investigations in Caucasia and beyond*, edited by A. T. Smith and K. Rubinson, pp: 144-167, the cotson institute of archaeology at UCLA. Los Angeles.
- Belli. O. (2001). **Archaeological surveys in Nakhichevan**. In *Istanbul universitys contributions to archaeology in Turkey (1932-2000)*, edited by O. Belli., pp 411-418. Istanbul: Istanbul university.
- Belli. O., V. Bahşaliyev. (2001). **Middle and late Bronze Age painted pottery culture in the Nakhichevan region**. Istanbul: Arkeologi ve sanat yayinlari.
- Burney. C. A. (1979). Meshkin Shar Survey, Iran, No. 8 (2): 1-71.
- Burton Brown, T (1951). **Excavations in Azerbaijan 1948**. London: John Murray. Bys, Pavlovich, Bar Interationalseriis 12.
- De Morgan. J (1905). **Recherches an Talyche Person, 1901**. Memoires delegation en perse, Necropoles des Agen du Brnge et de fer, paris.
- Egami. N., Fukai, Sh., Masuda, A. (1965). **The excavation at Ghalekuti and Lasu1kan, 1960, Dailaman I**: Tokyo.
- Fukai. Sh, Matsutani. A (1982). **The excavation at Lamehzamin, 1978, Halimehjan II**, The Tokyo: University Iraq-Iran Archaeological Expedition Report 18.
- Ghirshman. R (1939). **Fouilles de Sialk pres de Kashan, 1933, 1934, 1937 II**. Paris: Gheuthner.
- Haerinck. E. & Overlate. B. (1998). **Chamahzi Mumah. An Iron Age III Graveyard**. Luristan Excavation Documents II. *Acta Iranica*, vol. 33: 15-30.
- (2004). Finds from Khatunban B – Badavar Valley Luristan) in the Iran Bastan Museum. *Iranica Antiqua*. 39. 105-168.
- Ingraham. M. L., Summers, G (1979). **Stelae and settlements in the Meshkin Shahr plain, northeastern Azerbaijan**. Iran. *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin*, 12: 67-102.
- Kramer. C (1982). **Village ethnoarchaeology; rural Iran in archaeological perspective**. London: Academic Press.
- Kushnareva. K. Kh (1997). **The Southern Caucasus in Prehistory**, Philadelphia: The University Museum University of Pennsylvania.

- Muscarella. O. W (1968). **Excavations at Dinkha Tepe**. The Metropolitan Museum of Art Bulletin. New Series. 27(3). 187-196.
- Negahban. E. O. (1996). **Marlik The Complete Excavation report**. 2 vols. Philadelphia.
- Overlaet. B (2002). **The early Iron Age in the pusht I kuh**. Luristean. Leuven. Acta Iranica, 3e serie.
- Rezvani. H., Roustaei. K (2007). **A preliminary report on two seasons of excavations at Kul Tarike cemetery**. Kurdistan. Iran. Iranica Antiqua, Vol. XLII: 139-184.
- Seyidov. A. Q (2003). **Naxçıvan e.ə. VII-II minilliklərdə**. Bakı: Elm.
- Seyidov. A., Bahşaliyev. V (2002). **Nehecir Qedim Abideler Kompleksi**, Khazar University Press.
- Tapper. R (1997). **Frontier Nomads of Iran: A Political and Social History of the Shahsevan**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Vanden Berghe. L. (1972). **Recherches Archaeologiques dans le luristan**. Iranica Antiqua, vol IX. pp.40-67.
- (1974). **Le Luristan at Age du Fer**. La necropolc de Kutal-i-Gulgul, Archeology. (65).17-22.